

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبه‌هنگ راد
۱۶.۰۱.۱۰

«سحابی». بیش از سردمداران رژیم نگران است!

اعتراضات چند ماهه و به ویژه چند هفته اخیر بر نگرانی‌های سران نظام افزوده است. در حقیقت این فقط سران حکومت نیستند که بر نگرانی‌هایشان افزوده شده است بل در این میان جریانات، حامیان و مدافعین سیستم و مناسبات سرمایه داری هم هستند که آه و ناله سر می‌دهند و اندر باب تحرکات بحق و مقابله مردم علیه سرکوبگران شکوه و گله می‌کنند. این هراسان از انقلاب، به بهانه‌های متفاوت دارند بر طبل استراتژی مبارزه بی ثمر می‌کوبند و افکار عمومی را از اتخاذ هر گونه راه‌ها و روش‌های تعیین کننده باز می‌دارند.

سی سالست که رژیم جمهوری اسلامی دارد سلاح‌هایش را به سوی اعتراضات کارگری – توده‌ای نشانه می‌گیرد و سی سالست که راه هر گونه مبارزه مسالمت آمیز و مدنی در درون جامعه را بسته است و ابتدائی‌ترین خواسته‌های توده‌ها را با گلوله پاسخ می‌دهد؛ سی سالست که فضای سرکوب و خشونت را بر جامعه مان حاکم گردانده است ولی در عوض، به اصطلاح مدافعین منافع مردمی همچنان از بی ثمری و نافرجامی مبارزه مقابله‌ئی سخن می‌گویند، بدون این‌که بر این امر واقف گردند که پایه‌های جامعه ایران را ظالمان با بگیر و ببند و کُشت و کُشتار محرومان پی ریخته‌اند؛ بدون این‌که واقف گردند که سران حکومت بدون نشانه‌گیری سلاح به روی مردم قادر به حکومت داری نیستند. به راستی کدام عقل سلیمیست که می‌تواند به خود بقبولاند، دلیل تحرکات ضد انقلابی دشمنان و ارتکاب این همه جنایات و کُشتار، در تحرکات عملی مردم نهفته می‌باشد؟ کدام عاقل و یا "سیاست‌مداری" می‌تواند بپذیرد که بانی، شروع کننده و تداوم دهنده خشونت، کسانی جز حاکمان و زورگويان نیستند؟

در حقیقت خشونت‌های اخیر بدون بُرو برگردی نمایان‌گر خلق و خوی و تمایل باطنی رژیم جمهوری اسلامیست؛ بدون بُرو برگردی با سیاست‌هایشان جور در می‌آید و خلاف آن، در خلاف منفعشان قرار دارد. سرکوبگران رژیم این‌روزها وحشیانه به جان مردم افتاده‌اند و در خیابان‌ها خون مخالفین بی‌دفاع و بی سلاح را بر زمین می‌ریزند؛ جوانان و معترضین را با ماشین له و لورده می‌کنند تا مانع گسترش اعتراضات مردمی گردند. چرا که پی بُرده‌اند موقعیت نظامشان به خطر افتاده است؛ چرا که پی بُرده‌اند اعتراضات مردمی و جامعه به مانند سابق نیست و رنگ و بوی دیگری به خود گرفته است. تصمیم دشمن از همان آغاز در برابر اعتراضات مردمی روشن بود و اینرا در عمل و در دوره‌های متفاوت نشان داده‌اند و هر زمان که از جانب توده‌ها و جوانان خطری احساس نموده‌اند، به قلع و قمع آنان پرداخته‌اند. این زبان رایج سران حکومت است و با این زبان به میدان آمده‌اند؛ با این

زبان با مردم سخن می‌گویند و با این زبان تاکنون کار کرده‌اند و طبعاً با این زبان هم می‌توان بساطشان را بر چید. این تنها و یگانه راه نجات مردم رنج‌دیده و محرومان از شر هر گونه ظلم و تباهی‌ست. این جنگی‌ست که سران رژیم آغاز نموده‌اند و همچنان ادامه می‌دهند و بدون شک در این میانه نیروهای مدافع مردمی، مستحق دفاع و مجاز به مقابله‌اند. این پائین‌ترین حقیقت است که در مقابل عناصر متعهد به انقلاب قرار گرفته است و نمی‌توان و صحیح هم نیست تا به بهانه پرهیز از خشونت و یا به بهانه جلوگیری از تحولات ضد انقلابی دشمنان طبقاتی کارگران - زحمت‌کشان، از توضیح ماهیت واقعی سران نظام سرباز زد و بر روش‌های نافرجام مبارزه اصرار ورزید.

به عبارتی حقیقی‌تر باید گفت که سکوت و دعوت معترضین به آرامش و پی‌گیری خواسته‌های اولیه خودی و آن‌هم در چهارچوب قانون، به معنای دعوت به پذیرش بیش از این نظام جمهوری اسلامی‌ست و این سیاست در خدمت به رهائی و آزادی مردم از اسارت و بندگی نیست؛ دعوت به خویشتن‌داری بیش از این معترضین به بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه، ضمانتی بر دوام سران حکومت است؛ تلاش و ترغیب جنبش‌های اعتراضی به سمت روش‌های مسالمت آمیز و مبارزه مدنی، مبارزه‌ای که سی سال ثمره‌ی خود را در ابعاد متفاوت بر جای گذاشته است، به معنای تخلیه رادیکالیزم اعتراضی‌ست. این سیاست، باب طبع جریان‌ات و افرادی‌ست که از انقلاب توده‌ای هراسان‌اند و در عمل نقش سوپاپ اطمینان نظام‌های سرمایه‌داری و از جمله رژیم جمهوری اسلامی را بازی می‌کنند. یکی از این افراد «عزت الله سبحانی» است که خیابانی و علنی شدن خشم و نفرت مردم از سران رژیم جمهوری اسلامی باعث گردیده است تا بر خشم و نگرانی‌اش افزوده گردد و برای رژیم جمهوری اسلامی و "رهبر فقیه" اش دل می‌سوزاند و برای حفظ نظام و خامنه‌ای، مردم را به آرامش و خویشتن‌داری بیش از این دعوت می‌کند. وی در این زمینه و در مصاحبه‌ای با سارا سماواتی می‌گوید: "مردم با توجه به همین اصراری که طرف مقابل بر خشونت دارد و با توجه به اینکه حتا در روزی مثل عاشورا تظاهرات مردم را به آن سمت می‌کشد، مردم باید هر چه بیشتر از آن دوری کنند و مبارزه دموکراتیک را طولانی‌تر و کم هزینه‌تر کنند. در واقع مردم باید خویشتن‌داری کنند. این درک ما و تجربه ما از مبارزات سیاسی در این جامعه است و از مردم ایران این تقاضا را داریم. حال چقدر این توصیه ما را بپذیرند و عمل کنند... ما سعی خودمان را می‌کنیم".

چنانچه بخواهیم از تجربه منفی و بی‌ثمر مبارزه سیاسی گذشته «عزت الله سبحانی» حرفی بمیان نیاوریم و به ایده کنونی‌اش بپردازیم، بی‌تردید می‌توان گفت که در زیر سلطه دیکتاتوری خشن و عریان، طولانی‌ترین، کم هزینه‌ترین اعتراضات مردمی، "خوشتن‌داری" و تسلیم در مقابل خشونت‌های رژیم جمهوری اسلامی نیست که «سحابی» کهنه کار، مبلغ آن می‌باشد. «سحابی»، سراسیمه، دارد سیاستی را به مردم دیکته می‌کند که سی سالی‌ست جامعه‌ی ایران با چنین تجارب منفی و بی‌سرانجامی روبرو می‌باشد و تاکنون هزینه‌های بس سنگینی در این راه داده است. این مردم و اعتراضات به حق توده‌ای نیستند که سیاست خشونت و سرکوب را به سران نظام تحمیل می‌کنند بلکه این در ذات سرمایه است و سرمداران رژیم جمهوری اسلامی هم در چنین راستایی در حرکت‌اند. به عینه به اثبات رسیده است که در ایران زیر سلطه دیکتاتوری خشن و عریان، گفتمانی به غیر از گفتمان زور، کار بُردی ندارد و بالطبع پاسخ به خشونت عریان سران رژیم جمهوری اسلامی هم در عدم پاسخ‌گویی عملی نهفته نمی‌باشد و بی‌تردید تبلیغ ستراتیژی مبارزه صرفاً مدنی و آرام از جانب مدافعین منافع مردمی بنوبه خود باعث خواهد گردید که هم کار انقلاب به تأخیر افتد و هم بردوام بیش از این رژیم بیفزاید.

واضح است که تشخیص اولویت‌های مبارزاتی و تمرکز یابی بر شیوه‌های تعیین‌کننده، جنبش‌های اعتراضی را یک گام به جلو سوق دهد و دشمنان مردم را از موقعیت کنونی‌شان به عقب خواهد راند. بنابراین و خلاف «سحابی» که

روند اعتراضات مردمی را بناء به تمایلات سیاسی - طبقاتی‌اش مرحله بندی و نقش سویاپ اطمینان نظام را در جامعه‌ی سراسر ناعادلانه بازی می‌کند، باید گفت که هیچ جامعه‌ای بدون هدف قرار دادن ارگان‌های حافظ بقای سیستم سرمایه‌داری، روی آزادی و رهائی را نخواهد دید. باید و می‌بایست همواره و در هر شرایطی هدف را به درستی انتخاب نمود و بی جهت و بیهوده خود و مردم را مشغول فرع و معلول‌ها ننمود. در حقیقت و در یک کلام مبارزه با سرمایه‌داری وابسته در ایران، مبارزه با مناسبات و سیستم گنبدیده آن معنا می‌یابد و نمی‌توان برای از بین بردن آن، تقسیم‌بندهای ناصحیح، از نوع «سحابی» را نمود و تلاش ورزید تا افکار عمومی را به سمت سیاست‌های ناکارآمد سوق داد. همچنین نسبت دادن "بلا"یای زمینی و بر جسته و عمده نمودن نقش عناصر مدافع نظام نمایان‌گر پایداری به منافع مردمی و باوری عمیق به نفی و نابودی سیستم سرمایه‌داری در ایران نیست. طبقه سرمایه‌دار به عنوان، طبقه ظالم و استثمارگر مدت‌های طولانی‌ست که بر جوامع گوناگون و از حمله بر جامعه ایران سیطره انداخته است و کارگران و زحمت‌کشان را مورد استثمار وحشیانه خود قرار می‌دهد و ثروت جامعه را به جیب طبقه خودی سرازیر می‌نماید. جدا از این‌که مبارزه با عناصر درون طبقه سرمایه‌داری از زمره وظایف هر عنصر متعهد به منافع محرومان را تشکیل می‌دهد در همان حال، توضیح و سمت و سو دادن افکار عمومی بر نقش و جایگاه طبقه سرمایه‌دار در غارت، چپاول و سرکوب کارگران و زحمت‌کشان از اولویت‌هاست.

شکی در آن نیست که از منظر نیروهای صدیق انقلاب توده‌نی، مبارزه با افراد در بستر مبارزه با سیستم و کل طبقه سرمایه‌داری معنا می‌یابد، درکی که «سحابی» و همه راست‌های مدافع مناسبات سرمایه‌داری مخالف آنند و بر همین اساس است که آگاهانه تحت لوای دفاع از حقوق مردمی به دفاع از جانیانی همچون خامنه‌ای و طبقه سرمایه‌داری می‌پردازند و به قول خویش "مبارزه" با رژیم جمهوری اسلامی را مرحله‌بندی می‌نمایند. «سحابی» در این همین رابطه می‌گوید: "ببینید ما باید خواسته‌هایمان را بر اساس توان‌مان مرحله بندی کنیم. اگر ما با آقای خامنه‌ای و رهبری کشور مسئله داریم، سؤال داریم، اعتراض داریم - که خیلی هم داریم - اما مصلحت ما در این نیست که پای آقای خامنه‌ای را به میان کشیده و شعار علیه رهبر بدهیم. ما باید به هر وسیله‌ای می‌توانیم تبلیغ، ترویج، نوشتن، انتشار اسناد، نشان بدهیم که احمدی‌نژاد بالای جان ایران است. حضورش نابودی ایران است!"

به منظور درک نادرست این موضوع به عملکرد سیاست‌های امپریالیستی در منطقه و به ویژه به تجربه جامعه خودمان بر گردیم. به تعویض و جابه جایی‌ها، نگاه کوتاهی بیندازیم و ببینیم که چگونه مزدوران و وابستگی همچون شاه، صدام و امثالهم از جانب سرمایه‌های امپریالیستی تاریخ مصرفی دارند و هر زمان که منفعت‌شان ایجاب نماید، عنصر دست پرورده خود را از تاج و تخت‌اش به زیر خواهند کشید و عنصر و یا عناصر دیگری را بر سر کار می‌گمارند. در فرهنگ منفعتی آنان، رئیس جمهور، پادشاه، رهبر فقیه و غیره فاقد اتوریته تعریف شده «سحابی» هستند و در حقیقت این سیستم سرمایه و حافظ بقای آنان یعنی ارگان‌های سرکوب‌گرند که ابدی‌اند. با این تفصیل تا زمانی‌که بنیاد سرمایه در جامعه ایران حیات دارد، اوضاع معیشتی کارگران و زحمت‌کشان تغییری نخواهد کرد و با جابه جایی و یا با آمدن این و آن عنصر وابسته به منافع طبقه سرمایه‌دار، جامعه در همان مسیر به راه خود ادامه خواهد داد. بنابر این، نسبت دادن نابه سامانی‌های موجود و "بلا"یای جامعه به احمدی‌نژاد، حکایت و داستان خودی‌های نظام است و هیچ‌گونه ربطی به منفعت مردمی ندارد و مختص «سحابی» و همه مدافعین سرمایه است.

مازاد بر همه این‌ها «سحابی» آگاهانه و بنابه منفعت طبقاتی‌اش و بعد از مشاهده و انتخاب سیاست‌های عملی خامنه‌ای در قبال خواسته‌های بنیادی مردم ماهیت "ولی فقیه" نظام را وارونه به خورد جامعه و مردم می‌دهد؛

"رهبر فقیه"ی که نقش ویژه‌ای در استثمار و سرکوب توده‌ها بر عهده داشته و دارد و یک لحظه از تأمین منافع سرمایه داری وابسته در ایران عقب نه نشسته است. خامنه‌ای به عنوان سبیل و اراده سرمایه در ایران تا آنجائی که توان داشته ثروت جامعه را بر باد داده است؛ تا آنجائی که توان داشته بر استثمار کارگران و زحمت‌کشان شدت بخشیده و تا آنجائی که توان داشته در مقابل خواسته‌ها و مطالبات به حق محرومان ایستادگی نموده است. عملکرد و شاخ و شانه کشیدن‌های خامنه‌ای در برابر اعتراضات مردمی و تهدیدات روزمره‌اش به نوبه خود گویای هر ادعایی است که «سحابی» کهنه کار سیاسی، پای وی را آگاهانه از ارتکاب این همه جنایات و گشتار محرومان به بیرون می‌کشد. باید گفت که توده‌های محروم نه تنها احمدی‌نژاد و خامنه‌ای بل همه عناصر و مدافعین ریز و درشت نظام سرمایه‌داری را به عنوان بلایای جامعه به حساب آورده و عمیقاً بر این باوراند که حضورشان در هر مقام و منصبی، به معنای تخریب هر چه بیش‌تر زندگی آنان است. خلاف نظر و ارزیابی‌های سیاسی جریان‌ات راست و افرادی همچون «سحابی» باید گفت که تحقق خواسته‌های مردمی نه صرفاً در مبارزه با احمدی‌نژاد بل با کل نظام و همه نمایندگان ریز و درشت آن معنا و مفهوم می‌یابد و باید دانست که توده‌های محروم ایران بدون به زیر کشیدن طبقه سرمایه‌دار و همه عناصر وابسته به آنان، به مطالبات پایه‌ای خود دست نخواهند یافت.

مهمتر از آن این‌که، انقلاب ایران بدون نشانه‌گیری صحیح به ستون فقرات نظام یعنی نیروهای سرکوبگر و تمامی دم و دستگاه‌های حافظ بقای سلطه امپریالیستی، ره به جایی نخواهد بُرد. این انقلاب نیازمند نیروی کمونیستی منسجم، سازمانده و متشکلی است که بتواند در گره گاه‌های تاریخی و در شرایطی که سرمایه با تمام قواء و با خشونت و با توسل به سلاح اعتراضات مردمی را به خاک و خون می‌کشد، به دفاع از آنان بر خیزد؛ نیازمند آن است تا پا پیش بگذارد و توده‌ها را در برابر سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی مسلح نماید و به کار انقلاب و به کار همه نمایندگان سرمایه‌های امپریالیستی در ایران خاتمه بخشد. در سیستم و مناسبات سرمایه‌داری وابسته ایران، جانیانی همچون خامنه‌ای و احمدی‌نژاد در یک ردیف‌اند و هر دو و همه حامیان این سیستم می‌باید با نیروی سازمانیافته مسلح توده‌ای به بیرون پرتاب شوند تا مردم به آزادی و رهایی دست یابند. باید آگاه بود که با وجود این عناصر بر مسند قدرت و با گفتمان و یا با باز نمودن دیالوگ با خامنه‌ای و تظہیر وی از این همه جنایاتی که طی سی ساله اخیر در حق مردم مرتکب گردیده است، چیزی جز افزودن بر هزینه‌ها و به تأخیر انداختن انقلاب توده‌ئی نیست. شکی در آن نیست که نگرانی‌های «سحابی»، همان نگرانی‌های سران نظام است و کارگران و زحمت‌کشان و پیروان راه رهایی و آزادی با تمام وجود خواهان نابودی خامنه‌ای و دم و دستگاه‌های حامی‌اش می‌باشند. این خواست واقعی و باطنی آنانی است که در تخالف با منافع طبقاتی سرمایه‌داران به صف شده‌اند و بی دلیل هم نیست که پاسخ‌گوئی‌های عملی بعضاً اعتراضات مردمی «سحابی» را بیش از اندازه سراسیمه نموده است.

لینک مصاحبه «سحابی»

<http://news.gooya.com/politics/archives/2009/12/098258print.php>